

The relationship between spiritual intelligence, philosophical and religious beliefs mentality of high school female students in Tehran

بررسی رابطه بین هوش معنوی، ذهنیت فلسفی و باورهای دینی دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه شهر تهران

Fatemeh daneshi lisar, aliakbar khosravi babadi

¹ MA in Philosophy of Education, Islamic Azad University Central Tehran, Iran.

² Assistant Professor, Faculty of Education and Psychology, Islamic Azad University Central Tehran, Iran.

فاطمه دانشی لیسار، علی‌اکبر خسروی بابادی*

^۱ دانشجوی مقطع ارشد، رشته فلسفه تعلیم و تربیت؛ دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
^۲ عضو هیئت‌علمی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

Abstract

This study examines the relationship between spiritual intelligence, philosophical and religious beliefs mentality of high school female students in Tehran using cluster sampling, 200 female high school students in Tehran were selected. Three questionnaires were used to collect information King Spiritual Intelligence (2008), philosophical mindset and questionnaire religious beliefs was used. The data obtained were analyzed using t-test and multivariate regression analysis, Results showed that between spiritual intelligence, philosophical mindset there are significant correlations with religious beliefs. So that 45% of religious beliefs can be explained through Spiritual Intelligence. On the other hand 47% of the variance religious beliefs can be explained by the philosophical mindset. In the end, to provide valuable practical suggestions are provided with educational practitioners.

Keywords: intelligence, spiritual intelligence, mentality, philosophy, religious beliefs, meditation, comprehensiveness, flexibility.

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین هوش معنوی، ذهنیت فلسفی و باورهای دینی دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه شهر تهران بوده که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای مرحله‌ای تعداد ۲۰۰ نفر از دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه شهر تهران انتخاب شدند. به منظور جمع‌آوری اطلاعات از سه پرسشنامه هوش معنوی کینگ (۲۰۰۸)، ذهنیت فلسفی و پرسشنامه باورهای دینی استفاده شد. داده‌های به دست آمده با استفاده از آزمون t و تحلیل رگرسیون چند متغیره تحلیل شد؛ نتایج بررسی نشان داد که بین هوش معنوی، ذهنیت فلسفی با باورهای دینی همبستگی معناداری وجود دارد. به طوری که ۴۵ درصد از واریانس باورهای دینی از طریق هوش معنوی قابل تبیین است از طرف دیگر ۴۷ درصد از واریانس باورهای دینی توسط ذهنیت فلسفی قابل تبیین است. در پایان نیز پیشنهادها برای کاربردی ارزنده‌ای برای ارائه با متصدیان تربیتی ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: هوش، هوش معنوی، ذهنیت فلسفی، باورهای دینی، تعمق، جامعیت، انعطاف‌پذیری.

مقدمه

آنچه امروزه در دنیای معاصر کمبودش احساس می‌شود معنویت است. این خلأ در جهان غرب بیشتر است؛ چراکه آنان در مادیات و از معنویات فاصله گرفته‌اند و در شهوات غوطه‌ور شده‌اند. در واقع یکی از بهترین راه‌ها در برون‌رفت از این انحرافات، تغییر در دیدگاه افراد و مخصوصاً دانش‌آموزان با تکیه بر مفهومی چون معنویت است؛ در این باب مایر و همکاران (Salovey & Mayer, 2008) و Aruso & Sitarenios, 2008 در بررسی رابطه مذهب با سلامت روان دریافتند که افراد مذهبی نمره‌های بالاتری در آزمون‌های سلامت روانی و جسمانی و نمره‌های پایین‌تری در آزمون‌های مربوط به اختلالات روانی کسب می‌کنند. آمرام و درایر (Amram & Dryer, 2008) از سوی دیگر، آموزش "چگونه فکر کردن" به دانش‌آموزان امری مهم است و تفکر منطقی و صحیح افراد را می‌توان منوط به داشتن ذهنیت فلسفی وی دانست. ذهن فلسفی به افراد بینش و دانشی می‌دهد تا بتواند در مواجهه با مسائل سازمان از تنگ‌نظری، خودمحوری و یک‌جانبه‌نگری مصون ماند. همچنین به او کمک می‌کند تا با شناخت معرفت‌های لازم در برابر امور سازمان به‌طور منطقی عمل کند هرچه کودکان متوجه ابعاد وسیع یک موضوع باشند؛ بنابراین اگر بخواهیم دانش‌آموزان را نسبت به مسائل و اهداف تحصیلی یا غیر آن آگاه کرد و سپس حس پابندی را نسبت به موضوعات مختلف را در آنان تقویت نمود، یا چنانچه بخواهیم دانش‌آموزان به‌عنوان شهروندان منطقی آینده، دارای توانایی‌هایی باشند که مسائل زندگی اجتماعی را به‌خوبی درک کرده و قبل از هرگونه تصمیم‌گیری یا اقدام "زمینه کلی" مسائل و موضوعات یا چالش احتمالی را مدنظر داشته باشند باید بتوان "نگریستن به موارد خاص در ارتباط با زمینه‌ای وسیع" را به آنان آموخت؛ بنابراین اگر به دنبال تعمیق باورهای دینی در دانش‌آموزان هستیم توجه به هوش معنوی و ذهنیت فلسفی ضرورتی انکارناپذیر است.

بیان مسئله

امروزه همگی ما بر این باوریم که میزان توانایی ذهنی فرد یعنی آنچه ما به‌عنوان هوش می‌شناسیم و مقدار آن را توسط تست‌های هوش می‌سنجیم. البته باید توجه داشت که هیچ تضمینی برای موفقیت و خوشبختی فرد وجود ندارد. تا چند سال اخیر، روان‌شناسان پاسخ روشنی برای این سؤال که چه عاملی می‌تواند تا حد زیادی موفقیت و خوشبختی فرد را پیش‌بینی کند، نداشتند. پس از تحقیقات زیاد معلوم شد که توانایی احساسی فرد، نه تنها مهم‌تر از توانایی ذهنی او است، بلکه نقش بسزایی نیز در موفقیت، کار، روابط با دیگران و حتی سلامت جسمی فرد دارد گل‌من (Golman, 1998). امروزه، روان‌شناسان معتقدند که هوش، مجموعه توانایی‌های یک فرد محسوب می‌شود که توسط آن، فرد چیزی را می‌فهمد و به‌طور منطقی می‌اندیشد و رفتار می‌کند. هوش مفهومی است که از دیرباز آدمی به پژوهش و تفحص در مورد ابعاد، تظاهرات، ویژگی‌ها و انواع آن علاقه‌مند بوده است. هوش به‌عنوان یک توانایی شناختی، در اوایل قرن بیستم توسط آلفرد بینه مطرح شد. او همچنین آزمونی برای اندازه‌گیری میزان بهره هوش افراد ابداع کرد. بعدها لوئیس ترمن (Louis Terman) و دیوید وکسلر (David Wechsler) آزمون‌های جدیدتری ساختند؛ اما در دو دهه اخیر، مفهوم هوش به حوزه‌های دیگری مانند هوش هیجانی، هوش طبیعی، هوش وجودی و هوش معنوی، گسترش یافته است. علاوه بر این، دیگر هوش به‌عنوان یک توانایی کلی محسوب نمی‌گردد، بلکه به‌عنوان مجموعه‌ای از ظرفیت‌های گوناگون در نظر گرفته می‌شود.

بر این اساس و با عنایت به موارد فوق در این پژوهش هدف پاسخ به این سؤال است که بین هوش معنوی، ذهنیت فلسفی و باورهای دینی دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه شهر تهران چه رابطه‌ای وجود دارد؟

هوش معنوی

است که می‌توان آن را به صورت نمودار شماره ۱ نمایش داد:

تحقیقات گاردنر (Gardner, 1993) دلالت بر انواع متفاوت هوش دارد که نسبتاً مستقل از یکدیگر رشد پیدا می‌کنند و هر مهارت مخصوص ناحیه‌ای از مغز



نمودار ۱. هرم هوش‌های چندگانه (ویگلز ورت، ۲۰۰۴، به نقل از احدی و همکاران، ۱۳۸۸)

درونی و بیرونی و عملکردی همراه با بصیرت و ملایمت و مهربانی است و توانایی به دست آوردن قدرتی که ما را برای رسیدن به رؤیاهایمان یاری می‌دهد. الگوی مورد نظر، بر اساس این دیدگاه است که کودکان ابتدا بر بدن خود کنترل پیدا می‌کنند سپس مهارت‌های زبانی و مفهومی (هوش عقلانی) خود را گسترش می‌دهند. هوش عقلانی بیشتر در فعالیت‌های مدرسه‌ای کودک مطرح می‌شود. مرحله بعدی هوش هیجانی است که برای بسیاری از افراد هنگامی مطرح می‌گردد که علاقه‌مند به گسترش روابط خود با دیگران باشند. نهایتاً هوش معنوی زمانی خودنمایی می‌کند که فرد به دنبال معنای مسائل می‌گردد و سؤالاتی مانند "آیا این، همه آن چیزی است که وجود دارد؟" را مطرح می‌نماید. هوش معنوی ما را در تشخیص خوب از بد یاری نموده و قادر به ساده کردن قواعد و قوانین سخت به وسیله دلسوزی و همفکری است. در واقع این هوش از ما مخلوقاتی عقلانی، عاطفی و معنوی ساخته است و هر سه هوش را ترکیب می‌کند. هوش معنوی در ادبیات

هوش بدنی (Physical Quotient(PQ)): ابتدایی‌ترین کانون توجه ما را به خود اختصاص داده است و شامل توانایی کنترل ماهرانه حرکات بدن و استفاده از اشیاء است.

هوش عقلانی (Intelligence Quotient(IQ)): مربوط به مهارت‌های منطقی و زبان‌شناسی ماست که بیش از سایر هوش‌ها در سیستم آموزشی مورد توجه است.

هوش هیجانی (Emotional Quotient(EQ)): در زمینه کسب موفقیت در بازار نقش مهمی دارد و ما را در برقراری ارتباط یاری می‌دهد و تا حدی از قابلیت پیشگویی برخوردار است. همچنین هوش هیجانی بیانگر این است که در روابط اجتماعی و شرایط خاص چه عمل مناسب و چه عمل نامناسب است. به عبارت دیگر این نوع هوش توانایی همدلی با دیگران و شنیدن احساسات آنان است.

هوش معنوی (Spiritual Quotient(SQ)): شامل هدایت و معرفت درونی، حفظ تعادل فکری، آرامش

۱. قابلیت تعالی فیزیکی و مادی: ظرفیت انسان برای ورود به سطوح نامتعارف و متعالی هوشیاری و نیز بالاتر رفتن یا فراتر رفتن از محدودیت‌های عادی و جسمی.
۲. توانایی ورود به سطح معنوی بالاتر: آگاهی از یک حقیقت غایی که ایجاد احساس یگانگی و وحدت می‌کند و در آن همه مرزها ناپدید شده و همه چیز در یک کل واحد یگانه می‌گردد.
۳. توانایی یافتن تقدس در فعالیت‌ها، رویدادها و روابط روزمره: تشخیص حضور الهی در فعالیت‌های عادی.
۴. توانایی به‌کارگیری منابع معنوی برای حل مسائل زندگی: افرادی که ذاتاً مذهبی هستند راحت‌تر می‌توانند با استرس‌ها برخورد کنند. این افراد بیش از سایرین در بحران‌های روحی و مشکلات معنایی راهی برای یاد گرفتن می‌یابند و از طریق این مشکلات رشد می‌کنند.
۵. توانایی انجام رفتار فاضلانه: منظور رفتارهای درست و پسندیده‌ای همچون بخشش، نشان دادن سخاوت، انسانیت، شفقت، عشق ایثارگرایانه و... است که از زمان‌های گذشته تاکنون پسندیده انگاشته شده‌اند.

روش و ابزار پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر جمع‌آوری داده‌ها در طبقه تحقیقات توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانش‌آموزان دبیرستان‌های دخترانه تهران به تعداد ۱۶۱۲۰ نفر تشکیل داده که در سال تحصیلی ۹۴-۹۵ مشغول به تحصیل هستند. برای تعیین حجم نمونه نیز با توجه به جدول نمونه‌گیری کرجسی و مورگان و با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای مرحله‌ای تعداد ۲۰۰ نفر از دانش‌آموزان دبیرستان‌های دخترانه منطقه ۵ شهر تهران انتخاب شدند که پس از توزیع و جمع‌آوری پرسشنامه‌ها تعداد ۱۷۰ نفر انتخاب شد.

آکادمیک روان‌شناسی برای اولین بار در سال ۱۹۹۶ توسط استیونز (Stivens) و بعد در سال ۱۹۹۹ توسط ایمونز (Eimons) در کتاب "روان‌شناسی علاقه‌نمایی: انگیزش و معنویت در شخصیت" مطرح شد. از نظر مایر (Mayer, 2008) هوش معنوی کاربرد انطباقی اطلاعات معنوی با هدف تسهیل حل مسائل روزمره و دستیابی به هدف است. از این تاریخ به بعد گروهی از مؤلفان و پژوهشگران مانند: (Zohar & Marshall, 2000) و (Wong & Low, 2002) درصدد آن برآمدند تا مفهوم هوش معنوی را با توجه به مبانی نظری متفاوت، تعریف کرده و مؤلفه‌های آن را مشخص کنند. به موازات این جریان، گروهی دیگر از روان‌شناسان مانند گاردنر (Gardner, 1999) مفهوم هوش معنوی را در ابعاد مختلف مورد نقد و بررسی قرار دادند و پذیرش این مفهوم ترکیبی از معنویت و هوش را به چالش کشیدند. از نتایج این مباحثه‌ها، آشنایی گسترده محیط آکادمیک غرب و به‌ویژه ادبیات عامیانه با مفهوم هوش معنوی بوده است.

امرام (Amram, 2005) هوش معنوی را توانایی کاربرد رویکرد چند حسی در حل مسئله و یادگیری همراه با گوش سپردن به ندای درون معرفی می‌کند به‌عبارت‌دیگر هوش معنوی خودآگاهی عمیقی است که فرد بیشتر از جنبه‌های درونی‌اش آگاه شده و آن‌ها را درک می‌کند. به‌گونه‌ای که بشر در این حالت تنها جسم نبوده بلکه مجموعه‌ای از فکر، روح و بدن است.

به‌طورکلی ایمونز هوش معنوی را متشکل از پنج بعد یا توانایی مختلف می‌داند. به نظر او حداقل پنج توانایی معرف هوش معنوی هستند که در اغلب فرهنگ‌ها مورد ستایش قرار گرفته‌اند به‌گونه‌ای که برخی فرهنگ‌ها برای این مهارت‌ها اولویت بیشتری قائل شده‌اند. دلیل خاصی درباره اینکه این توانایی‌ها پنج مورد هستند وجود ندارد ضمن این که هیچ ترتیب خاصی برای قرار گرفتن آن‌ها متصور نیست. این پنج بعد یا توانایی عبارت‌اند از:

مطالعه اصلی نهایی شد. هر فرم مقیاس شامل چهار حیطة است: شناخت دینی با ۴ مؤلفه، عواطف دینی با ۵ مؤلفه، باور دینی با ۴ مؤلفه و التزام به وظایف دینی با ۴ مؤلفه. خدایاری فرد و همکاران شاخص‌های پایایی و روایی پرسشنامه را در دو مطالعه ۹۶ درصد و ۹۴ درصد گزارش کردند. ضریب پایایی از روش بازآزمون ۹۱ درصد و به روش دو نیمه کردن به روش اسپیرمن- براون برای کل پرسشنامه ۸۲ درصد و به روش گاتمن ۸۰ درصد است.

به‌منظور بررسی رابطه بین هوش معنوی، باورهای دینی و ذهنیت فلسفی در دانش‌آموزان دختر متوسطه شهر تهران از تحلیل داده‌های این مطالعه در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده می‌شود. در سطح آمار توصیفی با استفاده از شاخص‌های آماری نظیر فراوانی، درصد، میانگین، در سطح آمار استنباطی از دو روش آماری شامل ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه ساده مؤلفه‌های هوش معنوی و باورهای دینی با ذهنیت فلسفی دانش‌آموزان دختر متوسطه استفاده شد و تحلیل رگرسیون چند متغیری همزمان به‌منظور تعیین سهم نسبی هر یک از مؤلفه‌های هوش معنوی و باورهای دینی بر ذهنیت فلسفی دانش‌آموزان دختر استفاده می‌گردد. ابزار تحلیل، نرم‌افزار SPSS است که با استفاده از جداول و آزمون‌های آماری موجود اطلاعات خام پردازش می‌شود.

یافته‌های پژوهش

تحلیل استنباطی

سؤال اصلی پژوهش: آیا بین هوش معنوی، ذهنیت فلسفی و باورهای دینی دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه شهر تهران رابطه وجود دارد؟

از آنجا که یکی از شیوه‌های رایج و مستقیم برای کسب داده‌ها پرسشنامه است، در این پژوهش نیز از سه پرسشنامه استفاده شد که عبارت‌اند از:

برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه هوش معنوی (SISR-24) و پرسشنامه ذهنیت فلسفی و همچنین پرسشنامه باورهای دینی خدایاری فرد و همکاران (۱۳۸۵) استفاده شده است.

پرسشنامه هوش معنوی کینگ (King, 2008): این مقیاس یک ابزار اندازه‌گیری مربوط به سنجش هوش معنوی با چهار خرده مقیاس، شامل تفکر وجودی انتقادی، ایجاد معناداری شخصی، هوشیاری متعالی و گسترش هوشیاری متعالی است. پایایی این مقیاس در مطالعات کینگ بر روی ۶۱۹ نفر از دانشجویان دانشگاه تانت کانادا در سال ۲۰۰۷ بر اساس ضریب آلفا ۰/۹۵ گزارش شده است و آلفای زیر مقیاس‌های آن از جمله تفکر انتقادی ۰/۸۸، ایجاد معناداری شخصی ۰/۸۷، هوشیاری متعالی ۰/۸۹ و گسترش هوشیاری متعالی ۰/۹۴ بیان شده است.

پرسشنامه ذهنیت فلسفی: این پرسش‌نامه برای سنجش ذهنیت فلسفی مدیران بر اساس مدل اسمیت ساخته شده است. پایایی پرسش‌نامه ذهنیت با روش آلفای کرونباخ برابر ۷۹ درصد و اعتبار صوری آن از نظر اساتیدی که در این زمینه آگاهی دارند، مورد تأیید قرار گرفته است. این پرسشنامه دارای سه مؤلفه جامعیت، تعمق، انعطاف‌پذیری است که با ۶۰ سؤال (هر غالب فلسفی با ۲۰ سؤال) پوشش داده شده است.

پرسشنامه باورهای دینی: این پرسشنامه بر اساس مبانی نظری دین اسلام و ساختار نظری دین‌داری با چهار بعد اصلی شناخت دینی، باور دینی، گرایش و عواطف دینی و التزام به وظایف دینی، استخراج، تعریف و سنجش دین‌داری دانشجویان با ۴۰ سؤال برای

جدول ۱. تحلیل رگرسیون متغیرهای پژوهش

مدل	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	نسبت F	سطح معناداری
رگرسیون	۲۲۷۰/۴۲۰	۲	۱۱۳۵/۷۱۰	۹/۸۵۵	۰/۰۰۰
باقیمانده	۱۶۹۴۱/۰۱۴	۱۶۷	۱۱۵/۲۴۵		
کل	۱۹۲۱۲/۴۳۴	۱۶۹			

متغیرهای پیش‌بین: هوش معنوی و باورهای دینی

متغیر ملاک: ذهنیت فلسفی

رابطه بین هوش معنوی، ذهنیت فلسفی و باورهای دینی

در اینجا به منظور بررسی این که چه مقدار از واریانس باورهای دینی توسط ذهنیت فلسفی و هوش معنوی قابل تبیین است از روش رگرسیون استفاده شده است.

با توجه به جدول ۱ نسبت F به دست آمده (۹/۸۵۵) در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار است؛ بنابراین، می‌توان قضاوت کرد که بین ذهنیت فلسفی و دو متغیر هوش معنوی و باورهای دینی رابطه معنی‌داری وجود دارد و حداقل یکی از ضرایب رگرسیون معنی‌دار خواهد بود.

جدول ۲. نتایج تحلیل رگرسیون

متغیرها	Beta	R^2	R2 (اصلاح شده)	T	Sig
هوش معنوی	۰/۲۰۷	۰/۴۵۲	۰/۴۵۰	۴/۹۹	۰/۰۰۰
ذهنیت فلسفی	۰/۱۹۷	۰/۴۷۷	۰/۴۷۴	۵/۱۲۵	۰/۰۰۰

$p < 0.005$ ** $p < 0.01$ *

عسگری، وزیری و زارعی متین (۱۳۹۰) در پژوهشی به بررسی نقش هوش معنوی در محیط پرداختند و نشان دادند که افراد دارای هوش معنوی بالا زندگی آرام، دلنشین، عاشق کار، علاقه‌مند خدمت به هموعان و عدم وابستگی به دیگران دارند و هوش معنوی پیش‌بینی‌کننده سازگاری فرد نسبت به محیط اطراف است. نتایج پژوهش فرهنگ پور و همکاران (۱۳۹۱) با عنوان "بررسی رابطه هوش معنوی و عزت‌نفس دانش‌آموزان دبیرستان‌های تبریز" قائل به رابطه مثبتی بین هوش معنوی و عزت‌نفس می‌باشند.

۱. دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه شهر تهران از چه میزان هوش معنوی بهره‌مندند؟

با توجه به ضرایب تحلیل رگرسیون نقش هر یک از متغیرها در پیش‌بینی باورهای دینی مشخص شده است در اینجا هوش معنوی به‌طور مثبت و معنادار به پیش‌بینی باورهای دینی می‌پردازد. ($t=4.99$, $p < 0.005$). ضریب بتا نشان می‌دهد که یک انحراف معیار افزایش در هوش معنوی با ۰/۲۰۷ انحراف افزایش در باورهای دینی هماهنگ است. توان پیش‌بینی این مدل ($R^2=0.452$) است یعنی ۴۵ درصد از تغییرات در باورهای دینی توسط هوش معنوی قابل پیشگویی است.

نتایج به دست آمده از فرضیه اصلی تحقیق با نتایج زیر همسو است:

جدول ۳. میزان هوش معنوی

مؤلفه‌ها	گویه‌ها	کمترین	بیشترین	دامنه تغییرات	میانگین	انحراف معیار
۱. تفکر وجودی انتقادی	۷	۹	۲۶	۱۷	۱۸/۹۴	۳/۶۱
۲. ایجاد معناداری شخصی	۵	۷	۲۰	۱۳	۱۳/۴۱	۲/۸۳
۳. هوشیاری متعالی	۷	۹	۲۷	۱۸	۱۸/۳۷	۳/۹۹
۴. گسترش حالت هوشیاری	۵	۸	۱۹	۱۱	۱۳/۶۵	۲/۶۶
نمره کل مقیاس هوش معنوی	۲۴	۳۷	۸۸	۵۱	۶۴/۳۷	۱۱/۱۷

آزمون، طیف ۴ گزینه‌ای است که حد وسط این طیف ۲/۵ است (طبق سنج‌های که از سوی پژوهشگر در نظر گرفته شد) بنابراین، نمره حد متوسط ۶۰ به دست می‌آید (۲/۵×۲۴) همان‌طور که از جدول بالا بر می‌آید و در مورد مؤلفه‌های مطرح شده تعداد هر گویه در ۲/۵ ضرب و مقدار T بر اساس آن محاسبه شده است:

همان‌گونه که در جدول شماره ۳ نشان داده شده است میانگین و انحراف معیار نمره کل هوش معنوی دانش‌آموزان به ترتیب ۶۴/۳۷ و ۱۱/۱۷ است همچنین مؤلفه تفکر انتقادی و ایجاد معناداری دارای بیشترین و کمترین میانگین می‌باشند. از آنجا که برای سنجش میزان هوش معنوی دانش‌آموزان، ۲۴ سؤال در پرسشنامه هوش معنوی مطرح شد، به‌علاوه مقیاس

جدول ۴. آزمون t تک نمونه‌ای هوش معنوی دانش‌آموزان و خرده مؤلفه‌های آن

متغیر	T	Df	سطح معناداری	تفاوت میانگین
تفکر وجودی انتقادی	۲/۵۱	۱۶۹	۰/۰۰۱	۱/۰۸۲
۲ ایجاد معناداری شخصی	۲/۷۵	۱۶۹	۰/۰۰۱	۰/۹۱
۳ هوشیاری متعالی	۱/۸۵	۱۶۹	۰/۰۰۱	۰/۸۷
گسترش حالت هوشیاری	۳/۷۰	۱۶۹	۰/۰۰۱	۱/۱۵
هوش معنوی	۳/۲۸۵	۱۶۹	۰/۰۰۱	۴/۳۷

به‌طورکلی، هوش معنوی با میانگین (۶۴/۳۷) و مقدار t (۳/۲۸) در سطح کمتر از ۰/۰۱ و با توجه به نتایج از t جدول بحرانی (۲/۳۲) بیشتر است در نتیجه دانش‌آموزان دختر، در زمینه هوش معنوی در سطح بالاتری نسبت به میانگین قرار دارند.

چنانچه در جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود مؤلفه تفکر وجودی انتقادی با میانگین (۱۸/۹۴) و مقدار t (۲/۵۱) در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۱ و از مقدار t جدول بحرانی (۲/۳۲) بیشتر است در نتیجه میانگین تفکر وجودی انتقادی در دانش‌آموزان دبیرستان دخترانه بالاتر از حد متوسط قرار دارد.

آن ۶/۹۹ است و در خرده مؤلفه انعطاف‌پذیری میانگین (۸۷/۳۰) و انحراف معیار آن ۶/۶۳ است در زیر برای تحلیل بیشتر هر یک از خرده مؤلفه‌ها، آزمون t تک نمونه‌ای اجرا شده است که در جدول شماره ۵ نتایج آن آمده است.

۲. دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه شهر تهران تا چه میزان از ذهنیت فلسفی بهره‌مندند؟
با توجه به نتایج حاصل از آزمون، نمره ذهنیت فلسفی دانش‌آموزان دختر دبیرستان ۲۰۸ و انحراف معیار آن (۱۷/۲۷) است در مورد خرده مؤلفه ذهنیت فلسفی میانگین جامعیت ۶۹/۴ و انحراف معیار آن ۹/۶۷ است در خرده مؤلفه تعمق میانگین (۵۳/۷۷) و انحراف معیار

جدول ۵. میزان ذهنیت فلسفی

متغیر	T	Df	سطح معناداری	تفاوت میانگین
۱. جامعیت	۱۶/۷۲	۱۶۹	۰/۰۰۱	۱۹/۴
۲. تعمق	۵۱/۴	۱۶۹	۰/۰۰۱	۳/۷۷
۳. انعطاف‌پذیری	۴۷/۲۱	۱۶۹	۰/۰۰۱	۳۷/۳
۴. ذهنیت فلسفی	۴۲/۶۰	۱۶۹	۰/۰۰۱	۸۸

در زمینه ذهنیت فلسفی به‌طور معنی‌داری در سطح بالاتری نسبت به میانگین قرار دارند قرار دارند. ۳. دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه شهر تهران تا چه میزان از باورهای دینی بهره‌مندند؟

به‌طور کلی، ذهنیت فلسفی در دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه با میانگین (۲۰۸) و مقدار t (۴۲/۶۰) در سطح کمتر از ۰/۰۱ و با توجه به نتایج از t جدول بحرانی (۲/۳۲) بیشتر است در نتیجه دانش‌آموزان دختر،

جدول ۶. میزان باورهای دینی

شاخص	تعداد	میانگین مشاهده شده	انحراف معیار	درجه آزادی	سطح معناداری
متغیر					
باورهای دینی	۱۷۰	۱۴۲٫۵	۱۴/۵۴	۱۶۹	۰/۰۰۰۱

است در جدول شماره ۷ برای تحلیل بیشتر نتایج آزمون t تک نمونه‌ای آورده شده است.

با توجه به نتایج حاصل از جدول شماره ۶، میانگین باورهای دینی دانش‌آموزان دختر دبیرستان ۱۴۲/۰۵

جدول ۷. آزمون t تک نمونه‌ای باورهای دینی دانش‌آموزان

متغیر	T	Df	سطح معناداری	تفاوت میانگین
باورهای دینی	۱۲/۹۳	۱۶۹	۰/۰۰۱	۲۲/۵

در زمینه باورهای دینی به‌طور معنی‌داری در سطح بالاتری نسبت به میانگین قرار دارند قرار دارند. ۴. چه رابطه‌ای بین خرده مؤلفه‌های هوش معنوی و ذهنیت فلسفی در دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه شهر تهران وجود دارد؟

چنانچه در جدول ۷ مشاهده می‌شود باورهای دینی با میانگین (۱۴۲/۵) و مقدار t (۱۲/۹۳) در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۱ با توجه به نتایج از t جدول بحرانی (۲/۳۲) بیشتر است در نتیجه دانش‌آموزان دختر،

جدول ۸. خلاصه ضریب همبستگی چندگانه بین جامعیت، تعمق و انعطاف‌پذیری با خرده مؤلفه‌های هوش معنوی

شاخص	R	ضریب تعیین	ضریب تبیین اصلاح شده	برآورد خطای معیار
ایجاد معناداری شخصی	۰/۲۲	۰/۰۴۵	۰/۰۱۱	۷/۷۷
هوشیاری متعالی	۰/۰۸۶	۰/۰۰۷	۰/۰۲۳	۹/۰۰۲
گسترش حالت هوشیاری	۰/۲۱	۰/۰۲	۰/۰۱۷	۵/۷۸
تفکر وجودی انتقادی	۰/۳۰	۰/۰۵۷	۰/۰۱۰	۸/۰۱۱

همان‌طور که مشاهده می‌شود ضریب همبستگی بین جامعیت، انعطاف‌پذیری و تعمق با خرده مؤلفه تفکر وجودی انتقادی ۰/۳۰ است ضریب تعیین اصلاح شده نشان می‌دهد که ۱ درصد از تغییرات در خرده مؤلفه هوشیاری متعالی ناشی از خرده مؤلفه‌های موردنظر است این ضریب تبیین در سطح ۰/۰۵ معنادار نیست.

بحث و نتیجه‌گیری

در تعلیم و تربیت یکی از مسائل مهم و قابل بحث در باب تفکر، روش‌های تفکر است. روش‌های تفکر، زیربنای نظریه‌ها، قضاوت‌ها، داورها، شناخت‌ها و جهان‌بینی‌ها است (Burden, 2013).

یکی از روش‌های تفکر، تفکر فلسفی است؛ آنچه مسلم است، تعیین اهداف و به دنبال آن تعیین روش‌های اجرایی و ارزشیابی نتایج، بدون داشتن تفکرات و پایه‌های فلسفی، کاری سطحی و کم‌دوام خواهد بود؛ اما در مبحث معنویت و تربیت دینی این تفکر نیاز به مدیریت و یا به عبارتی روش دارد؛ یکی از این روش‌ها هوش معنوی است که از روابط فیزیکی و شناختی فرد با محیط پیرامون خود فراتر رفته و وارد حیطه شهودی و متعالی دیدگاه فرد به زندگی می‌گردد

همان‌طور که مشاهده می‌شود ضریب همبستگی بین جامعیت، انعطاف‌پذیری و تعمق با خرده مؤلفه ایجاد معناداری شخصی ۰/۲۲ است ضریب تعیین اصلاح شده نشان می‌دهد که تنها ۱/۱ درصد از تغییرات در خرده مؤلفه گسترش معنای شخصی ناشی از خرده مؤلفه‌های موردنظر است این ضریب تبیین در سطح ۰/۰۵ معنادار نیست.

همان‌طور که مشاهده می‌شود ضریب همبستگی بین جامعیت، انعطاف‌پذیری و تعمق با خرده مؤلفه هوشیاری متعالی ۰/۰۸۶ است ضریب تعیین اصلاح شده نشان می‌دهد که تنها ۲/۳ درصد از تغییرات در خرده مؤلفه هوشیاری متعالی ناشی از خرده مؤلفه‌های مورد نظر است این ضریب تبیین در سطح ۰/۰۵ معنادار نیست.

همان‌طور که مشاهده می‌شود ضریب همبستگی بین جامعیت، انعطاف‌پذیری و تعمق با خرده مؤلفه گسترش حالت هوشیاری ۰/۲۱ است ضریب تعیین اصلاح شده نشان می‌دهد که تنها ۱/۷ درصد از تغییرات در خرده مؤلفه هوشیاری متعالی ناشی از خرده مؤلفه‌های موردنظر است این ضریب تبیین در سطح ۰/۰۵ معنادار نیست.

۰/۰۱ با توجه به نتایج از t جدول بحرانی (۲/۳۲) بیشتر است در نتیجه دانش‌آموزان دختر، در زمینه باورهای دینی به‌طور معنی‌داری در سطح بالاتری نسبت به میانگین قرار دارند قرار دارند.

۴. نتایج پژوهش نشان داد که ضریب همبستگی بین جامعیت با باورهای دینی با ۰/۴۱۲ است که این بیان‌کننده ارتباط مثبت و معناداری بین نمرات جامعیت و باورهای دینی دانش‌آموزان وجود دارد ($P > a = 0/05$) یعنی هر چه جامعیت در تفکر بیشتر باشد به همان اندازه باورهای دین نیز در فرد افزایش می‌یابند همچنین ضریب همبستگی بین تعمق باورهای دینی ۰/۶۸ است که نشان‌دهنده ارتباط مثبت و معناداری بین نمرات تعمق و باورهای دینی وجود دارد ($P > a = 0/05$) ضریب همبستگی بین انعطاف‌پذیری و باورهای دینی ۰/۶۷۵ است که نشان‌دهنده ارتباط مثبت و معناداری بین نمرات انعطاف‌پذیری و باورهای دینی وجود دارد ($P > a = 0/05$) از طرف دیگر ضرایب تعیین محاسبه شده نشان می‌دهد که جامعیت (۱۶/۴۲) تعمق (۴۵/۴۲) و انعطاف‌پذیری (۳۳/۷۳) درصد از واریانس باورهای دینی را تبیین می‌کنند. این نتیجه نشان می‌دهد که باورهای دینی بر ذهنیت و سلامت روان افراد تأثیری مثبت دارند. هیجان‌ات مثبت دارند، انعطاف‌پذیر هستند و دوستان متعهدی دارند.

۵. نتایج پژوهش در باب ضرایب همبستگی بین باورهای دینی و ابعاد ذهنیت فلسفی نشان می‌دهد که ضریب همبستگی بین خرده مؤلفه تفکر وجودی انتقادی و باورهای دینی (۰/۰۱۶) است که نشان‌دهنده عدم رابطه بین این دو است یعنی اینکه باورهای دینی با خرده مقیاس تفکر وجودی انتقادی رابطه‌ای ندارد و از طریق آن قابل تبیین نیست همچنین ضریب همبستگی بین باورهای دینی و خرده مقیاس معناداری شخصی ۰/۱۸۴ است یعنی با افزایش معناسازی شخصی در فرد به همان مقدار باورهای دینی او نیز افزایش می‌یابند از طرف دیگر بین باورهای دینی و هوشیاری متعالی و

و همین مسئله پاسخ به سؤالاتی همچون "من کیستم؟"، "چرا اینجا هستم؟" و "چه چیزی مهم است؟" را برای انسان روشن می‌سازد تا فرد در نهایت بتواند با کشف منابع پنهان عشق به خود و دیگران کمک نماید (احمدی، ۱۳۸۸). در پژوهش حاضر، پس از سنجش باورهای دینی، ذهنیت فلسفی و هوش معنوی دانش‌آموزان دبیرستان‌های دختر منطقه شهر تهران، نتایج زیر به دست آمد:

۱. نتایج پژوهش نشان داد که دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه شهر تهران در مؤلفه هوش معنوی و خرده مؤلفه‌های آن از حد متوسط بالاتر هستند؛ هوش معنوی با میانگین (۶۴/۳۷) و مقدار t (۳/۲۸) در سطح کمتر از ۰/۰۱ و با توجه به نتایج از t جدول بحرانی (۲/۳۲) بیشتر است در نتیجه دانش‌آموزان دختر، در زمینه هوش معنوی در سطح بالاتری نسبت به میانگین قرار دارند؛ بنابراین می‌توان گفت که هوش معنوی با آرامش درونی و انعطاف‌پذیری بالاتر و سازگاری با محیط ارتباط دارد و از طرف دیگر با تأثیر مثبت بر دستیابی به هدف و دوری فرد از حالت عدم سلامت روان به فرد احساس اعتماد به نفس بیشتر می‌دهد و احساس حقارت را در فرد به حداقل می‌رساند.

۲. نتایج پژوهش نشان داد که دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه از نظر ذهنیت فلسفی از حد متوسط بالاتر قرار دارند ذهنیت فلسفی در دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه با میانگین (۲۰۸) و مقدار t (۴۲/۶۰) در سطح کمتر از ۰/۰۱ و با توجه به نتایج از t جدول بحرانی (۲/۳۲) بیشتر است در نتیجه دانش‌آموزان دختر، در زمینه ذهنیت فلسفی به‌طور معنی‌داری در سطح بالاتری نسبت به میانگین قرار دارند قرار دارند.

۳. نتایج پژوهش نشان داد که دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه از نظر باورهای دینی از حد متوسط بالاتر قرار دارند به‌طوری‌که باورهای دینی با میانگین (۱۴۲/۵) و مقدار t (۱۲/۹۳) در سطح معناداری کمتر از

Gardner, H., Ling, P. K., Elamm, L., & Silverman, J. (1999), Comprehension and appreciation of humorous material following brain damage, *Brain*, 98 (3): 399- 412.

Golman, D. (1998), "Working with emotional intelligence", *Hand book of intelligence*, pp: 390-420, Cambridge University Press

Goldman, R. G. (2012), *Religious Thinking from Childhood to Adolescence*, London: Routledge & Kegan Paul.

Golman, D. (2001), "Emotional entelligence: Issue in paradigm bulding in cherniss", Sanfrancisco Jossy Bass.

Mayer, J. D., Roberts, R. D., & Barsade, S. G. (2008), *Human abilities: Emotional intelligence*, *Annual Review of Psychology*, 59, 507-536.

Mayer, J. D., Salovey, P., Aruso, & Sitarenios, G. (2003), measuring emotional intelligence, *MSCEII*, Vol 20, 97 – 105.

Nasel, D. (2004), "Spiritual orientation in relation to spiritual intelligence: A consideration of traditional, Christianity and new age/individualistic spirituality", Unpublished Doctoral Dissertation, University of South Australia.

Smith, Philip, G. (2011). *What is philosophy education?*. U.S.A.: McMillan. Webster dictionary of the English language. (2003). New York.

Wigglesworth, C. (2015), spiritual intelligences and why it matters, the internet: www. Conciouspursuit.com. innerwords messenger: A newsletter to spark the Inner rourney, Retrived from

Wong, C., & Low, K. (2002), the effect of leader and follower emotion intelligence on performance and attitude, *Journal of the leader ship Quartely*, 73, 243-274.

Zhan, L (1992), Quality of life: conceptual and measurement issues, *Journal of advanced nursing*, Vol. 17, pp: 795-800.

Zohar, D, & Marshall, I. (2000), "SQ: connecting with our spiritual intelligences", New York, bloomsburry.

گسترش خودآگاهی نیز رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و در نهایت معناسازی شخصی (۰۲/۵) و هوشیاری متعالی (۲/۸۰) و گسترش خودآگاهی (۳/۹۵) باورهای دینی را تبیین می‌نمایند.

لذا با عنایت به موارد فوق، پیشنهاد می‌گردد:

- که معلمان در کلاس‌های تدریس خود از روش‌ها و برنامه‌هایی استفاده کنند تا بتوانند هوش معنوی دانش‌آموزان را افزایش دهند؛ همچنین مدارس زمینه مساعد برای رشد هوش معنوی در بین دانش‌آموزان مدارس را فراهم نماید.
- همچنین گرچه شکل‌گیری اعتقاد به مفاهیم مذهبی به‌عنوان یکی از ابعاد هوش معنوی که دارای همبستگی بالائی با باورهای دینی است از محیط خارج از مدرسه به‌ویژه خانواده و جامعه شکل می‌گیرد لکن مدارس می‌توانند مصادیق عملیاتی نمودن این اعتقاد را در استراتژی و فرایند تربیتی لحاظ کنند. به‌عنوان مثال برگزاری دوره‌های آموزشی مذهبی، پاسخ به سؤال‌های اعتقادی، ارائه پاداش به پیشنهادهای مذهبی و اعتقادی از جمله این مصادیق است.
- پیشنهاد می‌گردد به‌منظور نهادینه نمودن معنویات در مدرسه منشور معنوی در مدارس تدوین شود.

منابع

Amram, Joesph, Yosi (2005), *Intelligence beyond IQ: The contribution of Emotional and spiritual intelligence to effective business leadership*.

Amram, Y. & Dryer, C. (2007), the Development and preliminary validation of the integrated spiritual intelligence scale (ISIS), Palo Alto, CA, Institute of Transpersonal Psychology, Working Paper.

Burden, R. & Nichols, L. (2013). Evaluating the process of introducing a thinking skills program into the secondary school curriculum, *Research Papers in Education*, 15(3), 293-306.

Gardner, H. (1983), *Frames of mind*, New York, Basic book